سیدعباس عراقچی در نیویورک با ۴۵ دیدار و رایزنی فشرده، پیام‌های ایران درباره جنگ، تنگه هرمز و ادامه دیپلماسی را به جهان منتقل کرد

دیپلماسی فعال بیخ گوش دشمن

گروه سیاسی نیویورک طی روزهای اخیر برای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صرفاً محل حضور در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد نبود؛ این شهر عملاً به یک اتاق عملیات دیپلماتیک تبدیل شد؛ جایی که پرونده جنگ، امنیت منطقه، تنگه هرمز، مناسبات با همسایگان، رابطه با اروپا، پرونده هسته‌ای، اسنپ‌بک و مسیرهای احتمالی گفت‌وگو با آمریکا، همزمان روی میز دستگاه سیاست خارجی قرار گرفت. سیدعباس عراقچی در حاشیه این نشست مجموعه‌ای فشرده از دیدارهای دوجانبه و رایزنی‌های چندجانبه را پیش برد؛ دیدارهایی که گستره آنها از کشورهای همسایه و عربی تا اروپا، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امتداد یافت. شمار این دیدارها در گزارش‌های منتشرشده حدود ۴۵ مورد عنوان شده است؛ اما اهمیت این عدد نه در کثرت ملاقات‌ها، بلکه در شبکه‌ای از پیام‌ها و موضوعاتی است که ایران در فاصله چند روز به طیف وسیعی از بازیگران جهانی منتقل کرد.

عراقچی از همان بدو ورود به نیویورک، هدف اصلی سفر را دفاع از حقوق و منافع مردم ایران در بزرگ‌ترین تریبون بین‌المللی عنوان کرد؛ سفری که در شرایطی انجام شد که به گفته او وضعیت جنگی همچنان بر فضای منطقه سایه انداخته بود. از این منظر، حضور وزیر خارجه ایران در نیویورک را نمی‌توان سفر معمول یک مقام دیپلماتیک برای شرکت در یک اجلاس سالانه دانست؛ بلکه باید آن را تلاشی برای فعال کردن همزمان چندین مسیر دیپلماتیک در دل یک بحران چندلایه تلقی کرد.

هرمز؛ وقتی اهرم میدان وارد اتاق مذاکره می‌شود

درمرکز بسیاری از این رایزنی‌ها، تنگه هرمز قرار داشت؛ موضوعی که تهران تلاش کرده آن را از یک مسئله صرفاً نظامی یا دریایی به یک موضوع سیاسی، امنیتی، اقتصادی و مذاکره‌ای تبدیل کند. ایران از یک سو بر نقش خود در تأمین امنیت منطقه و اهمیت حاکمیتش بر تنگه تأکید کرده و از سوی دیگر، مسئله بازگشت امنیت و کشتیرانی در هرمز را به توقف اقدامات نظامی و فشارهای اقتصادی علیه ایران گره زده است. در ۲۲ سپتامبر، در جریان رایزنی‌های نیویورک، شروط ایران برای بازگشایی هرمز از طریق میانجی‌ها به نماینده آمریکا منتقل شد. براساس گزارش رویترز، این شروط شامل پایان محاصره دریایی، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران و توقف عملیات نظامی بود. تهران در ادامه نیز نشان داد که بازگشت امنیت به آبراه را نه یک امتیاز یک‌جانبه، بلکه بخشی از یک بسته متقابل می‌داند. در دیدارهای عراقچی با برخی وزیران خارجه منطقه و اروپا نیز همین برداشت تکرار شد. در گفت‌وگو با وزیر خارجه هند، آخرین تحولات مربوط به مذاکرات ایران و عمان برای ایجاد مسیر ایمن کشتیرانی در هرمز مطرح شد و عراقچی تأکید کرد که از نگاه ایران، اقدامات نظامی و محاصره دریایی آمریکا در شکل‌گیری ناامنی منطقه نقش مستقیم داشته است. این نحوه صورت‌بندی هرمز یک نکته تحلیلی مهم دارد: تهران تلاش کرده است واقعیتی که در میدان شکل گرفته را به سرمایه مذاکره تبدیل کند. در این منطق، دیپلماسی نمی‌آید تا جای قدرت بازدارندگی و ظرفیت دفاعی را بگیرد؛ مأموریت آن این است که نتیجه وجود این ظرفیت‌ها را در میز مذاکره به گزینه‌های بیشتر برای ایران تبدیل کند.

به بیان دیگر، وقتی وزیر خارجه ایران از هرمز سخن می‌گوید، صرفاً درباره یک آبراه حرف نمی‌زند؛ درباره یک اهرم امنیتی و ژئوپلیتیکی صحبت می‌کند که می‌تواند محاسبات اقتصادی، انرژی و سیاسی طرف‌های مقابل را نیز تحت تأثیر قرار دهد. تلاش دیپلماتیک در نیویورک برای انتقال شروط تهران، از همین زاویه قابل فهم است: استفاده از ظرفیت میدان برای گسترده‌تر کردن فضای مانور دیپلماتیک.

دیپلماسی و قوه قهریه؛ دو مسیر متضاد نیستند

یکی از خطاهای رایج در تحلیل سیاست خارجی ایران، قرار دادن «مذاکره» و «قدرت» در برابر یکدیگر است؛ گویی هرچه دیپلماسی فعال‌تر شود، باید از ظرفیت‌های نظامی و بازدارنده کاسته شود یا برعکس. آنچه در نیویورک از رفتار دستگاه دیپلماسی ایران قابل مشاهده بود، تصویر متفاوتی ارائه می‌کند.

در چارچوبی که مقام‌های ایرانی ترسیم کرده‌اند، مذاکره زمانی معنا پیدا می‌کند که ایران بتواند شروط خود را مطرح کند و در عین حال، در برابر فشارهای طرف مقابل گزینه‌های دیگری نیز در اختیار داشته باشد. بنابراین دیپلماسی پرتلاش عراقچی را می‌توان نه عدول از رویکرد بازدارندگی، بلکه مکمل آن دانست. این نگاه البته به معنای آن نیست که هر اقدام نظامی الزاماً دستاورد دیپلماتیک ایجاد می‌کند یا هر مذاکره‌ای لزوماً به نتیجه مطلوب منجر می‌شود. نسبت میان قدرت و دیپلماسی پیچیده‌تر از این است. اما در منطق بازدارندگی، وجود توان دفاعی به یک کشور امکان می‌دهد دامنه انتخاب‌هایش را حفظ کند؛ و دیپلماسی به آن امکان می‌دهد همین دامنه انتخاب را با ارتباط، ائتلاف‌سازی، رایزنی، میانجیگری و چانه‌زنی سیاسی تبدیل کند.

از این زاویه، حجم بالای رایزنی‌های عراقچی در نیویورک را باید در امتداد تلاش برای «بازتر نگه داشتن دست ایران» دید. این دست بازتر لزوماً به معنای دستیابی فوری به توافق نیست؛ بلکه به معنای آن است که ایران خود را محدود به یک مسیر واحد نکند. مذاکره با آمریکا از کانال میانجی، گفت‌وگو با اروپا، رایزنی با همسایگان، تعامل با آژانس و سازمان ملل و تقویت ارتباط با کشورهای آسیایی و غیرغربی، همه بخشی از یک شبکه واحد برای افزایش گزینه‌های تهران‌اند.

آمریکا؛ ارتباط هست، اما چارچوب مذاکره نیز موضوع مذاکره است

در نیویورک، مهم‌ترین و حساس‌ترین مسیر، رایزنی‌های غیرمستقیم با آمریکا بود. در روزهای برگزاری مجمع عمومی، قطر و دیگر واسطه‌ها میان تهران و واشنگتن پیام‌هایی را منتقل کردند و درباره چارچوب‌های احتمالی ادامه مذاکرات گفت‌وگو شد. رسانه‌های آمریکایی نیز از ادامه تلاش میانجی‌ها برای رسیدن به تفاهم خبر دادند. در روایت ایران، مسئله اصلی فقط «اصل مذاکره» نبود؛ بلکه موضوع برسر شرایط ورود به یک مسیر جدید دیپلماتیک بود. تهران خواهان پایان جنگ، رفع محاصره دریایی و فشارهای اقتصادی و آزادسازی منابع خود شده است. در سوی مقابل، واشنگتن نیز خواسته‌هایی درباره پرونده هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای مطرح کرده است. این اختلاف نشان می‌دهد که فاصله میان «باز بودن کانال مذاکره» و «رسیدن به توافق» همچنان زیاد است. از همین رو، فعالیت دیپلماتیک عراقچی در نیویورک بیش از آنکه یک تلاش برای توافق به هرقیمت باشد، تلاشی برای حفظ کانال ارتباطی و انتقال مستقیم شروط ایران بوده است. در چنین وضعیتی، نفس ارتباط دیپلماتیک می‌تواند یک ابزار باشد، نه یک هدف. ایران تلاش می‌کند از مذاکره برای انتقال خواسته‌های خود، شناخت دقیق‌تر مواضع طرف مقابل، مدیریت میانجی‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری اجماع کامل علیه خود استفاده کند؛ همان‌طور که طرف مقابل نیز از دیپلماسی برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برد.

اروپا؛ اعتراض در کنار باز نگه داشتن کانال گفت‌وگو

بخش قابل توجهی از ملاقات‌های عراقچی به اروپا اختصاص داشت؛ از فرانسه، آلمان، هلند و اتریش تا ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی. دیدار با وزیر خارجه آلمان نیز در همین چارچوب انجام شد و عراقچی از ابتدای سفر تأکید کرده بود که ایران در نیویورک در پی دفاع از حقوق و منافع خود است.

در این ملاقات‌ها، انتقاد از رویکرد کشورهای اروپایی نسبت به جنگ و پرونده ایران با حفظ کانال گفت‌وگو همراه شد. همین ترکیب به خودی خود حامل یک پیام است: اختلاف با اروپا به معنای حذف اروپا از محاسبات دیپلماتیک تهران نیست.

پرونده هسته‌ای و اسنپ‌بک، یکی از دلایل اصلی اهمیت این تماس‌ها بود. ایران از یک طرف با برخی مواضع کشورهای اروپایی اختلافات جدی دارد و از طرف دیگر، می‌داند که بخشی از مسیر حقوقی و سیاسی پرونده هسته‌ای به تعامل با همین بازیگران گره خورده است.

به همین دلیل، دیپلماسی تهران در نیویورک نه بر اساس دوست و دشمن ثابت، بلکه تا حد زیادی بر اساس کارکرد هر بازیگر پیش رفته است؛ هر کشوری که بتواند در کاهش فشار، انتقال پیام، مدیریت بحران، جلوگیری از اجماع‌سازی یا پیشبرد روابط اقتصادی نقشی ایفا کند، می‌تواند مخاطب یک رایزنی دیپلماتیک باشد.

اسنپ‌بک؛ جنگ در جبهه حقوقی

همزمان با گفت‌وگوهای سیاسی، پرونده اسنپ‌بک نیز در سطح حقوقی و بین‌المللی دنبال شد. عراقچی با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، درباره تحولات پرونده صحبت کرد و ایران کوشید موضع خود را در خصوص مبانی حقوقی اقدامات انجام‌شده تثبیت کند. این بخش از سفر اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در یک منازعه بین‌المللی، میدان جنگ تنها به عرصه نظامی محدود نمی‌شود. شورای امنیت، سازمان ملل، آژانس، افکار عمومی جهانی و سازوکارهای حقوقی نیز می‌توانند به میدان دیگری برای اعمال فشار یا مقابله با فشار تبدیل شوند. از این منظر، دیپلماسی حقوقی مکمل دیپلماسی سیاسی است و هر دو، مکمل توان بازدارنده کشورند. ایران اگر بخواهد دست خود را در برابر فشارهای خارجی بازتر نگه دارد، ناچار است همزمان در عرصه نظامی، سیاسی، حقوقی، رسانه‌ای و اقتصادی بازی کند. اهمیت نیویورک دقیقاً در همین چندلایه بودن آن بود.

آژانس؛ نگه‌داشتن پرونده هسته‌ای در مسیر چندجانبه

دیدار عراقچی با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. در شرایطی که پرونده هسته‌ای ایران به یکی از گره‌های اصلی بحران تبدیل شده، حفظ ارتباط مستقیم با آژانس برای تهران یک مسیر جداگانه از گفت‌وگوی سیاسی با واشنگتن ایجاد می‌کند.

این تفاوت مهم است؛ چراکه ایران تلاش می‌کند پرونده هسته‌ای فقط در قالب خواسته‌های آمریکا تعریف نشود. آژانس، اروپا، سازمان ملل و کشورهای مختلف هرکدام بخشی از این معادله‌اند و فعال نگه داشتن این کانال‌ها، امکان مانور بیشتری برای تهران ایجاد می‌کند.

همسایگان؛ دیپلماسی برای جلوگیری از تکمیل حلقه فشار

دیدار عراقچی با وزیران خارجه عراق، قطر، اردن، عربستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای منطقه نیز از مهم‌ترین اجزای این سفر بود. در این دیدارها، علاوه بر جنگ و امنیت منطقه، مسئله استفاده از خاک کشورهای همسایه علیه ایران و همچنین سازوکارهای امنیت منطقه‌ای مورد بحث قرار گرفت. برای تهران، این رایزنی‌ها اهمیت مضاعفی دارند؛ زیرا بحران ایران و آمریکا اگرچه در سطح اصلی خود دوجانبه به نظر می‌رسد، اما آثار آن مستقیماً به کشورهای پیرامونی سرایت می‌کند. امنیت خلیج‌فارس، هرمز، انرژی، کشتیرانی، تجارت و حتی حریم هوایی کشورهای منطقه، همگی با ادامه بحران تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

عراقچی در گفت‌وگو با همتای اردنی خود بر ضرورت احترام به حاکمیت کشورها و جلوگیری از استفاده از قلمرو کشورهای منطقه علیه ایران تأکید کرد. در دیدار با همتای قطری نیز تحولات منطقه و جنگ علیه ایران مورد رایزنی قرار گرفت؛ قطر علاوه بر جایگاه منطقه‌ای خود، یکی از کانال‌های اصلی میانجیگری در تماس‌های تهران و واشنگتن بوده است.

پس این سفر صرفاً واشنگتن‌محور نبود. تهران تلاش کرد به کشورهای منطقه نشان دهد که برای مسائل امنیتی آنها نیز طرف گفت‌وگوست و همزمان می‌کوشد مانع از آن شود که کشورهای پیرامونی به بخشی از سازوکار فشار علیه ایران تبدیل شوند.

آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین؛ دیپلماسی فراتر از غرب

یکی از وجوه قابل توجه سفر عراقچی، گستردگی آن فراتر از اروپا و آمریکا بود. در کنار هند و دیگر کشورهای آسیایی، وزرای خارجه کشورهایی در آفریقا و آمریکای لاتین نیز با وزیر خارجه ایران دیدار کردند. در روزهای پایانی این سفر، ملاقات با وزیر خارجه الجزایر و گفت‌وگو با وزیر خارجه نیکاراگوئه نیز انجام شد. این بخش از فعالیت‌های عراقچی شاید به اندازه تماس‌های ایران با آمریکا و اروپا خبرساز نباشد، اما از منظر طراحی سیاست خارجی اهمیت خود را دارد. هرچه شبکه روابط یک کشور متنوع‌تر باشد، ابزارهای آن برای مقابله با فشار و اجتناب از انزوای کامل نیز متنوع‌تر خواهد بود. به همین دلیل، دیپلماسی تهران در نیویورک را نمی‌توان صرفاً دیپلماسی بحران دانست؛ بخشی از آن، دیپلماسی شبکه‌سازی بود. ایران تلاش کرد طی چند روز، مجموعه‌ای از روابط دوجانبه و چندجانبه را فعال کند تا پرونده ایران در ذهن دولت‌ها تنها از دریچه واشنگتن تعریف نشود.

۴۵ دیدار؛ عددی که پشت آن یک محاسبه بزرگ‌تر قرار دارد

درنهایت، اهمیت حدود ۴۵ دیدار عراقچی در نیویورک در این نیست که وزیر خارجه ایران توانسته است در یک هفته رکوردی از ملاقات ثبت کند. اهمیت واقعی این عدد در تنوع مخاطبان و تعدد مسیرهایی است که همزمان فعال شدند. ایران در نیویورک با آمریکا از طریق میانجی‌ها ارتباط داشت، با اروپا مذاکره و اختلافات را مطرح کرد، با همسایگان درباره امنیت منطقه رایزنی کرد، با هند و دیگر قدرت‌های آسیایی درباره تجارت و هرمز گفت‌وگو کرد، با سازمان ملل وارد بحث حقوقی شد و با آژانس درباره پرونده هسته‌ای تعامل کرد. به این فهرست باید کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین را نیز افزود. این همان جایی است که نسبت میدان و دیپلماسی روشن‌تر می‌شود. دیپلماسی بدون پشتوانه قدرت ممکن است به ابزار فشار یک‌جانبه طرف مقابل تبدیل شود؛ اما قدرت بدون دیپلماسی نیز لزوماً به نتیجه سیاسی منجر نمی‌شود. در منطق راهبردی ایران، هدف از فعال نگه‌داشتن هر دو مسیر، افزایش دامنه انتخاب و حفظ امکان دفاع از منافع کشور در شرایطی است که فشار نظامی، اقتصادی و سیاسی همزمان اعمال می‌شود. از این منظر، دیپلماسی پرتلاش عراقچی را نباید نشانه فاصله گرفتن از قوه قهریه و ظرفیت دفاعی ایران خواند. برعکس، می‌توان آن را تلاشی برای استفاده سیاسی از همان واقعیت‌های قدرت دانست. هرچه ایران در میدان بتواند توانایی دفاع از خود و اعمال هزینه بر فشارهای خارجی را حفظ کند، در عرصه مذاکره نیز با گزینه‌های بیشتری وارد می‌شود؛ و هرچه دیپلماسی بتواند این واقعیت را به زبان سیاسی، حقوقی و بین‌المللی ترجمه کند، امکان تحمیل هزینه برطرف مقابل و کاهش فشار بر ایران بیشتر می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، کار دیپلماسی در این چارچوب «بستن دست ایران برای جنگ» نیست؛ «بازتر کردن دست ایران برای دفاع از خود» است. باز بودن کانال مذاکره می‌تواند به معنای داشتن یک مسیر دیگر در کنار ابزارهای دفاعی، اقتصادی و منطقه‌ای باشد؛ مسیری که اگر به توافق برسد، نتیجه آن باید در خدمت منافع ایران باشد و اگر به توافق نرسد، دست کم نباید ایران را از سایر گزینه‌های خود محروم کند.

نیویورک؛ دیپلماسی برای افزایش گزینه‌ها

از همین زاویه، شاید بتوان کل سفر عراقچی را نه سفر برای دستیابی فوری به یک توافق، بلکه سفر برای افزایش گزینه‌های ایران توصیف کرد. تهران تلاش کرد در شرایطی که جنگ، تحریم، فشار اقتصادی و فشار حقوقی همزمان وجود دارد، هیچ کانال مهمی را بدون پاسخ نگذارد.

این واقعیت را حتی در سطح تماس‌های آمریکا و میانجی‌ها نیز می‌توان دید. گزارش‌های تازه از ادامه تلاش برای شکل دادن به یک توافق احتمالی حکایت دارد، اما همزمان اختلافات اساسی درباره تحریم‌ها، هرمز و پرونده هسته‌ای پابرجاست. بنابراین، دیپلماسی در این مرحله بیشتر از آنکه به معنی نزدیک شدن قطعی به توافق باشد، به معنی حفظ امکان توافق از موضعی است که تهران آن را تأمین‌کننده حقوق و منافع خود بداند.

درچنین صورتی، نیویورک را باید یکی از مهم‌ترین صحنه‌های نمایش این رویکرد دانست: صحنه‌ای که در آن میدان و مذاکره مقابل یکدیگر قرار نگرفتند؛ بلکه یکی پشتوانه دیگری شد. توان دفاعی برای ایران اهرم ساخت و دیپلماسی تلاش کرد این اهرم را به فضای مانور سیاسی تبدیل کند.

از این منظر، ۴۵ دیدار عراقچی را می‌توان بیش از هر چیز تلاشی برای باز نگه داشتن دست ایران دانست؛ دست باز در مذاکره، در رایزنی منطقه‌ای، در کارزار حقوقی و بین‌المللی و در نهایت، در دفاع از منافع ملی. نیویورک برای ایران پایان یک پرونده نبود؛ بلکه صحنه‌ای بود برای آنکه نشان دهد در میانه فشارهای چندجانبه، هنوز مسیرهای متعددی برای کنش دارد و دیپلماسی، در این محاسبه، نه جایگزین قدرت بلکه یکی از صورت‌های به کارگیری آن است.

هرمز و «خورگوس»؛ دو کلید در جیب ایران

ادامه از صفحه اول

دلیلش دو چیز است:

اول، چین نمی‌خواهد همه تخم مرغ‌هایش را در یک سبد بگذارد: انرژی‌اش از تنگه هرمز می‌گذرد و تجارتش از تنگه مالاکا که زیر سایه نفوذ آمریکاست. مسیر خشکی مکمل دریاست، نه جانشین آن؛ یعنی چین به هر دو راه ما نیاز دارد.

دوم، یوانی‌سازی: کالا و انرژی که از خشکی حرکت کند، به راحتی با یوان معامله می‌شود و این برای چین یک قدم به سوی دلارزدایی است.

ایران اگر خودش را به این مثلث وصل کند، در قلب برنامه‌های راهبردی چین قرار می‌گیرد، نه در حاشیه‌اش.

۴. چرا سهم ما هنوز نزدیک به صفر است؟

از ترافیک این مسیر، سهم ایران شاید یک دهم باشد. بقیه فقط از کنار ما رد می‌شود. چینی‌ها و قزاق‌ها مقصر نیستند؛ ما خودمان را عقب نگه داشته‌ایم:

- درسی سال گذشته، بیست برابر بیشتر در جاده سرمایه‌گذاری کرده‌ایم تا ریل، درحالی که هزینه‌های جانبی ریل (سوخت، آلودگی، تصادف) فقط ۵ تا ۱۰ درصد جاده است.
- قانون ما واردات کامیون و اتوبوس دست‌دوم را مجاز و واردات واگن را ممنوع کرده است.
- در جاده، تصدی دولتی ۱۰ تا ۱۵ درصد است؛ در ریل ۷۰ تا ۷۵ درصد. ریلی که خصوصی‌ها نتوانند در آن ابتکار به خرج دهند، هیچ‌وقت رقیب کامیون نمی‌شود.
- گمرک‌ها اسناد و بازرسی‌های همدیگر را نمی‌پذیرند و تبادل الکترونیکی ندارند؛ هر مرز یک سد است.

مسیر روشن است: از خورگوس به قزاقستان و ترکمنستان، و از سرخس یا اینچه‌برون به ایران. این ریل ۹۳۰ کیلومتری در سال ۲۰۱۴ افتتاح شد. بیش از یک دهه است که این جاده طلایی آماده است و ما هنوز آن را به جای کالای واقعی با سخنرانی پر می‌کنیم.

۵. راه‌حل: پنج کار

ظرفیت این مسیر را در یک سال می‌شود دو برابر کرد و با تصمیم‌های جسورانه، پنج برابر. این حرف بلندپروازانه نیست، حساب است.

- تصمیم واحد: مدیری که تصمیم شجاعانه می‌گیرد، نباید فردا به خاطر همان تصمیم بازخواست شود.
- هماهنگی چهار دستگاه: راه‌آهن، گمرک، جهادکشاورزی (دامپزشکی و حفظ نباتات) و استاندارد باید یک زبان حرف بزنند، نه چهار.
- نقش واقعی برای بخش خصوصی: او را در مذاکرات بنشانید، نه در مراسم امضا.
- دفتر نمایندگی در چین، قزاقستان و روسیه: بازار کارخانه در چین شروع می‌شود، نه از بندر. هشتاد درصد کار با پیگیری حضوری پیش می‌رود، نه ایمیل.
- ریل را کنار دریا بنشانیم: تا وقتی ریل گزینه آخر باشد، برگ هرمز را هم نمی‌توانیم با اطمینان بازی کنیم.

۶- عصر تکیه به یک مسیر و یک برگ تمام شده است. هرمز برگ برنده است، اما برنده‌ترین برگ هم وقتی تنها باشد، قابل تهدید است. اگر ده سال زودتر مسیر ریلی را کامل کرده بودیم، تهدید محاصره برای ما ضربه‌ای کوچک‌تر و برای دشمن هزینه‌ای بزرگ‌تر بود. هنوز دیر نشده، ولی زمان کم است. چین در چند سال یک روستای مرزی را به ابرشهر تبدیل کرد. ما هم باید ریلی را که خودمان کشیده‌ایم به کار بیندازیم.

اصل سند و برگ سبز خودروی سواری پژو GLX-XU۷ ۴۰۵ مدل ۱۳۹۴ به رنگ خاکستری- متالیک به شماره موتور ۱۲۴K۰۶۱۹۷۰۳ و شماره شاسی NAAM۰۱CE۰FK۵۰۵۰۲۴ به شماره انتظامی ۳۳۴ ق ۵۶ - ایران ۹۵ به نام سعید حوت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز و کارت پلاک خودروی وانت دو کابین تویوتا هایلوکس مدل ۲۰۱۰ به شماره انتظامی ۲۲۸۹۹ به شماره شاسی ۱۰۵۲۱۴۰ و شماره موتور ۵۰۰۵۷۲۱۳ به نام عبدالصمد بلوچ زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک برگ سبز - سند کمپانی - کارت پلاک خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ سبز یشمی روغنی مدل ۱۹۸۲ به شماره موتور ۵R۲۱۳۵۹۲۸ و شماره شاسی ۱۱۰۰۵۴۸۸۳ به نام عبدالوهاب فقیران به شماره انتظامی ۵۱۲ ع ۳۴- ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک برگ سبز - سند کمپانی - کارت پلاک خودروی وانت تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۹۸۵ به شماره موتور ۵R۱۳۵۷۹۱۸ و شماره شاسی RK۱۱۰۰۶۲۰۰۲۳ به نام عبدالوهاب فقیران به شماره انتظامی ۴۲۶ ج ۴۳ - ایران ۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک برگ سبز - سند کمپانی - کارت پلاک خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ قرمز روغنی مدل ۱۹۸۵ به شماره موتور ۵R۲۲۲۴۲۴۲ و شماره شاسی RK۱۱۰۶۱۱۶۶۲۲ به نام عبدالوهاب فقیران به شماره انتظامی ۶۳۹ ط ۱۳ - ایران ۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک برگ سبز - سند کمپانی - کارت پلاک خودروی وانت تویوتا مدل ۱۹۸۰ به شماره موتور ۵R۱۹۳۷۰۷ و شماره شاسی RK۱۱۰۰۲۱۵۸۷ به نام عبدالوهاب فقیران به شماره انتظامی ۲۶۲ ع ۴۳ - ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک برگ سبز - سند کمپانی - کارت پلاک خودروی وانت تویوتا مدل ۱۹۸۲ به شماره موتور ۵R۲۰۸۶۴۷۱ و شماره شاسی RK۱۱۰۰۴۷۷۰۲ به نام عبدالوهاب فقیران به شماره انتظامی ۵۲۲ ع ۳۵ - ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ مدل ۱۹۸۴ به نام لال بخش معینی به رنگ قرمز به شماره انتظامی ۵۸۸ ع ۲۹ - ایران ۸۵ به شماره موتور ۲۱۷۹۱۰۸ و شماره شاسی ۶۰۸۲۰۸ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک خودروی وانت تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۹۸۴ به نام عبدالمجید سپاهی به شماره انتظامی ۸۹۸ س ۲۵- ایران ۹۵ به شماره موتور ۵R۲۲۲۸۰۷۷ به شماره شاسی RK۱۱۰۶۱۱۷۷۸۶ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک عقب خودروی وانت تویوتا هایلوکس به رنگ سبز روغنی مدل ۱۹۸۵ به نام محمد اقبال درازهی به شماره انتظامی ۴۴۶ ع ۸۵ - ایران ۸۵ به شماره موتور ۰۱۵۱۸۹۳ و شماره شاسی ۵۷۰۰۰۹۱۷۳ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی وانت تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۹۸۵ به نام شهدوست سپاهی به شماره انتظامی ۹۴۱ س ۵۵- ایران ۹۵ به شماره موتور ۳Y۱۵۴۱۸۳ و شماره شاسی YN۵۷۰۰۹۷۴۱ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) کارت پلاک - برگ گمرکی خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ سبز مدل ۱۹۸۵ به نام حسن سیاهانی به شماره انتظامی ۲۲۸ س ۴۵- ایران ۹۵ به شماره موتور ۵R۲۲۲۴۶۸۳ و شماره شاسی RK۱۱۰۶۱۶۷۳۸ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی وانت تویوتا ۱۶۰۰ به رنگ بژ روغنی مدل ۱۹۸۴ به نام حسین میربلوچ زهی به شماره انتظامی ۳۳۷ ب ۸۹ - ایران ۸۵ به شماره موتور ۰۰۸۸۲۷۴ و شماره شاسی ۰۰۳۱۲۳۹ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

سندمالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس ای ۱/۸ به رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۴ به نام اله یار حسین بر به شماره انتظامی ۳۵۴ س ۶۱- ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۶۱۰۰۵ و شماره شاسی ۱۳۲۰۴۸۳۴ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک عقب خودروی سواری پژو ۴۰۵ GLX XU۷ به رنگ نقره ای مدل ۱۳۹۳ به نام جاسم درازهی به شماره انتظامی ۲۴۸ ن ۶۷- ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۲۴K۰۴۱۵۰۸۳ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۵ER۰۳۲۴۸۶ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پراید مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۲۷۳۳۷۱۰ به شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۷۵۸۵۴۹۴ به شماره شهربانی ۹۱ ایران ۶۳۱ س ۷۸ به نام آقای ساسان دلدار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کلیه مدارک (برگ سبز - برگ کمپانی - بنچاق - کارت ماشین - کارت سوخت) خودرو سواری جیپ توسن مدل ۱۳۶۷ رنگ خاکستری نوک مدادی متالیک شماره موتور FR۱۳۷۰ شماره شاسی PJ۴۱۵B۷۰۴۱۱۵ به شماره پلاک ایران ۶۱- ۴۷۷ ب ۵۳ به نام انور صدیقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و اصل کارت شناسایی موتورسیکلت سیستم تلاش CDI ۱۲۵ مدل ۱۳۹۴ به رنگ مشکی به شماره موتور ۱۱۴۹۲۵۰ شماره بدنه ۹۴۳۲۹۹۴ به شماره پلاک انتظامی ایران ۵۶۸- ۷۲۲۶۴ و به نام مالک محمود ناصری زاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی بنچاق سند خودرو پیکان ۱۶۰۰ رنگ سفید یخچالی روغنی مدل ۱۳۷۵ به شماره انتظامی ایران ۱۳- ۴۸۵۵۴۹ شماره موتور ۱۱۲۷۵۴۹۳۷۱ شماره شاسی ۷۵۵۴۷۱۱۳ به مالکیت خلیل زمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) و سند کمپانی سواری هوندا آکورد به شماره انتظامی ۶۷۵ د ۵۶ ایران ۸۲ به شماره شاسی LHGCY۳۶۵۶S۸۱۵۲۵۲۹ به شماره موتور LFB۱۹۷۰۰۱۴۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) وانت یخچال‌دار زامیاد به شماره انتظامی ۹۵۱ ط ۹۱ ایران ۶۲ به شماره موتور ۸۰۰۱۴۷۸۴ شماره شاسی NAZDL۱۰۴TJK۰۱۱۹۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ۹۶۳ ق ۱۳ ایران ۸۲ به شماره موتور ۱۵۶۹۰۰۰۱۴۷۱ شماره شاسی NAAP۴۱FD۶CJ۶۱۱۹۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) و کارت شناسایی سواری پراید صبا به شماره انتظامی ۷۲۷ ب ۴۶ ایران ۹۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۰۷۴۸۱۳۳ و شماره موتور ۰۰۲۸۳۹۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز خودرو سواری پژو PARSTU۵ مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید روغنی شماره موتور ۱۳۹۹۱۰۰۷۸۱۷ شماره شاسی NAAN۱۱FCXCK۶۵۸۹۲۵ شماره پلاک ایران ۸۱- ۴۳۹ ب ۷۱ به نام سیدایوب صالحی ساداتی شماره ملی ۴۶۵۰۴۹۸۳۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتومبیل وانت نیسان مدل ۱۳۶۴ به شماره انتظامی ۵۵۶ د ۴۵ ایران ۲۳ به شماره موتور ۱۳۸۰۳۹ به شماره شاسی ۰۱۲۸۶۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت ریتون ۱۲۵ مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۵۹۴- ۷۴۶۸۸ به شماره موتور ۱۰۴۵۳۱۸ و شماره شاسی ۸۹۰۷۲۲۸ به مالکیت نوروز پهلوانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) و سند کارخانه و کارت پلاک متعلق به یک دستگاه موتورسیکلت مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۸۲۲/۲۸۱۶۷ به شماره موتور ۱۵۶FMI۰۲۴۳۸۸۰ به شماره تنه ۱۲۵E۹۲۱۱۶ * * * N۲N به نام هارون اورنگ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی دوکابین هایلوکس ۲۷۰۰ مدل ۲۰۱۴ به شماره پلاک ۹۸۵ م ۸۲ ایران ۴۵ به شماره موتور ۲TR۸۶۲۲۰۷۱ شماره شاسی MRFX۲۲G۱E۱۴۱۴۰۹۵ به نام در بی بی زردکوهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مجوز حمل سلاح شکاری تک لول ساچمه زنی مدل روسی ساخت روسیه شماره اسلحه ۰۳۰۱۷۱۱۵ متعلق به اینجانب محمد مراد بهادری بیرگانی فرزند جان محمد کد ملی ۶۶۳۹۸۰۱۸۱۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی برگ سبز و کارت خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۱ به رنگ عنابی متالیک به شماره انتظامی ۴۱۲ ص ۲۵ ایران ۷۵ به شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۰۹۵۷۳ شماره شاسی ۸۱۰۰۸۳۴۰ به نام صدیقه تاج آبادی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی شرکت نفت منطقه ویژه به نام عیسی منصوری فرزند یعقوب شماره شناسنامه ۲۶۱ کد ملی ۵۸۵۹۲۶۲۹۸۱ شماره شناسایی کارت ۶۹۷۲۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی وسیله نقلیه خودرو سواری سیستم سایپا تیپ ۱۳۱SL مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۲۴-۷۵۷ ب ۱۹ به شماره موتور ۴۳۷۷۹۸۳ به شماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۰۳۶۵۰۱۵ به نام راضیه نصاری فرزند طهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری لیفان X۶۰ رنگ سفید مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۴۵۶ ب ۱۹ ایران ۲۳ شماره موتور ۱۳۰۹۰۲۴۷۱ و شماره شاسی ۱۱۰۰۵۹ به نام جابر زینلی لتحری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۷ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ۱۲۴۸۷۱۱۸۰۱۳ و شماره شاسی NAAN۲۱CA۷۹E۴۰۲۸۸۲ به شماره پلاک ۶۸۶ د ۳۶ ایران ۹۶ به نام پریسا امیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) و سند کمپانی سواری هاچ بک پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ۸۳۱ ب ۱۵۲ ایران ۹۲ شماره موتور ۱۴۱۸۹۰۳۱۴۱۵ شماره شاسی NAAP۰۳EDXAJ۱۳۵۸۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) موتورسیکلت کویر به شماره انتظامی ایران ۵۸۷- ۵۶۸۳۷ شماره موتور ۰۲۴۸N۳C۵۰۰۵۵۲۷ به شماره شاسی N۳CTYGF۰۰MMH۰۰۹۰۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری دنا به شماره انتظامی ۴۳۷ ب ۵۲ ایران ۹۲ به شماره موتور ۱۴۷H۰۹۳۷۴۲۷ به شماره شاسی NAAW۹۱HKASDN۱۴۱۱۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت برگ سبز سواری پراید سیستم سایپا تیپ ۱۳۱SE رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۶۱- ۲۱۷ ب ۷۸ شماره شاسی NAS۴۱۲۱۰۰E۱۰۸۵۷۹۹ شماره موتور ۵۲۴۴۴۵۲ به مالکیت حامد کریم‌نژاد فرزند صالح مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رحمان میرزائی فرزند مهرعلی به شماره شناسنامه ۴۲۸۵۳۸۷۶۳۸ صادره از زنجان و آقای مجید داودی فرزند علی اکبر به شناسنامه ۴۲۸۰۶۳۲۳۳۲ در هرکدام سه دانگ از ششدانگ اعیان به انضمام ۳۲ سهم از ۹۶ سهم عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۱۱/۴۸ مترمربع پلاک ۴۷۰ فرعی از ۴۵ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه همایون خریداری از مالک رسمی آقای رضا علی ندرلو فرزند شعبان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۷/۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۲۲

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای ناصر خسروی عمران برابر با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۴۳۶۹۷ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۹ تنظیمی دفترخانه ۲۳۸ آمل طی درخواستی به شماره ۱۴۰۵/۳۲۹۲۵ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۹ تقاضای صدور سند مالکیت ۴۵۰۰ سهم از ۴۲۶۰۸۵ کل سهم یک قطعه زمین زراعی به شماره پلاک ثبتی ۴۶ فرعی از ۶۱- اصلی - واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل با موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۶۴۲۲۷۹ ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۱۰۰۰۵۰۰۷۴۲۰ به نام مشارالیها سابقه ثبت دارد و اعلام داشته که بر اثر جابجایی سند مالکیت مفقود گردیده، فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد، چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. ضمنا دو مورد بازداشت توسط مراجع ذیصلاح برای مالکیت مزبور ثبت گردیده است. تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸

حسن صالحی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم فاطمه زهرا حسین زاده با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۲۸۵۵۹ مورخ ۱۴۰۵/۶/۳ تنظیمی دفترخانه ۱۴۲ آمل طی درخواستی به شماره ۱۴۰۵/۰۰۲۶۷ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۵ تقاضای صدور سند المثنی شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به شماره پلاک ثبتی ۶۰۲ فرعی از ۲۸- اصلی واقع در بخش ۰۳ حوزه ثبت ملک آمل با موضوع سند مالکیت اصلی که به نام مشارالیه سابقه ثبت دارد و اعلام داشته که بر اثر جابجایی سند مالکیت مفقود گردیده، فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد، چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸

حسن صالحی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه تحدید حدود ششدانگ یک باب منزل به پلاک ۲۵۸ فرعی از ۲۴- اصلی ملکی آقای سرور ناروئی در بخش ۵ سیستان مورد تقاضای نامبرده در تاریخ ۱۴۰۵/۷/۲۹ روز چهارشنبه ساعت ۸ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد بدینوسیله به اطلاع مجاورین و مستدعی ثبت پلاک فوق می رساند تا در روز تعیین شده در محل حضور به هم رسانند در صورتیکه مستدعی ثبت پلاک فوق و یا نماینده قانونی وی حضور نداشته باشد تحدید حدود بر طبق اظهار مجاورین برابر ماده ۱۵ قانون ثبت به عمل خواهد آمد و اعتراض مجاورین نیز برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی ظرف مدت سی روز پذیرفته خواهد شد ضمنا برابر تبصره ماده واحده قانونی تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی مصوب سال ۱۳۷۳ اعتراض به تقاضای ثبت و تحدید حدود موضوع ماده ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت م باید توسط معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض به مرجع ثبتی با تقدیم دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی صورت پذیرد گواهی لازم از دادگاه زهک اخذ و به اداره ثبت محل تسلیم و رسید دریافت دارد و الا حق او ساقط خواهد شد در صورتی که روز تحدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تحدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد از تعطیلی با رعایت مواد قانونی فوق الاشاره صورت پذیرد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸ م الف ۱۸۱

ثبت اسناد و املاک

آگهی مزایده اموال غیرمنقول ۱۴۰۴۰۱۲۱۱

میزان دو دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۶۵۲۲ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۰۳ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران به مساحت ۳۰۰/۷ متر مربع (مساحت ششدانگ) به نشانی آمل جاده کمربندی - مرکز تجارت بین المللی برنج به مغازه مورد نظر با کدپستی ۸۷۰۸۴۶۱۹۱ مالکیت مهدی زارع فرزند رستم شماره شناسنامه ۵۰ تاریخ تولد ۱۳۶۰/۱۰/۱۵ صادره از آمل دارای شماره ملی ۲۱۴۲۴۲۱۹۶۲ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم ۲ دانگ مشاع از ششدانگ از واحد تجاری مذکور صرفا با کاربری برنج و مشاغل وابسته استفاده نماید با شماره مستند مالکیت ۲۳۹۵۹ تاریخ ۱۳۹۹/۹/۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۰۱ شهر آمل استان مازندران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۰۳۹۱۱۷ سری ب سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۱۰۰۰۵۰۱۷۵۵۵ ثبت گردیده است. باحدود اربعه شمالا: در سه قسمت اول دیوار یست مشترک به طول ۶/۰۰ شش متر به قطعه بیست و سه تفکیکی دوم دیوار یست مشترک به طول ۵/۹۹ پنج متر و نود و نه سانتیمتر به قطعه بیست و چهار تفکیکی سوم دیوار یست مشترک به طول ۶/۰۰ شش متر به قطعه بیست و پنج تفکیکی شرقا دیوار یست مشترک به طول ۱۶/۷۰ شانزده متر و هفتاد سانتیمتر به قطعه چهل و دو تفکیکی جنوبا درب و دیوار است به طول ۱۸/۰۱ هجده متر و یک سانتیمتر به خیابان غربا دیوار یست مشترک به طول ۱۶/۶۹ شانزده متر و شصت و نه سانتیمتر به قطعه چهل تفکیکی براساس نظریه کارشناسی

متن سهم: دو دانگ مشاع از ششدانگ توضیحات مغازه به مساحت حدود ۳۰۰ متر مربع می باشد حدود آن مطابق ظهر در محل تطبیق دارد مغازه در دو دهنه بوده است و واحد تجاری مورد نظر واقع در طبقه همکف و واحد مورد نظر سند دارای اتاق مدیریت و سایر تجهیز به دستگاه بوجاری برنج بوده است و کف مغازه تماما سیمان بدنه نمای دیوار سرامیک و سنگ بوده و سقف از سازه فولادی از نوع خرپا بوده که با ایرانیت با زیرسازی پرلین فولادی پوشش می باشد ساختمان از نوع ساختمان فلزی بوده است دارای امتیاز برق و آب می باشد و قدمت تاریخ ساخت مدارکی ابراز نشد ولی حدود ۱۰ سال می باشد و دارای درب شب بند کرکره برقی می باشد ضمنا واحد مورد نظر در زمان بازدید در اختیار مالک بوده ولی فعال نبوده است درخصوص بیمه مکان فوق مدارکی ابراز نشد ارزیابی ششدانگ از عرصه و اعیان واحد موصوف با توجه به میزان مساحت برو محل استقرار، نوع سازه و نوع کاربری، نحوه ساخت و در نظر گرفتن سایر عوامل موثره و متعلقه ارزیابی عرصه و اعیان موصوف بدون لحاظ هرگونه دیون حقوقی و حقیقی به مبلغ یکصد و پنجاه میلیارد ریال تعیین و سهم مالک دو دانگ از ششدانگ مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین گردید.

لذا دو دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۶۵۲۲ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۰۳ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران به مساحت ۳۰۰/۷ متر مربع (مساحت ششدانگ) به مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنجاه میلیارد ریال) با مالکیت آقای مهدی زارع در پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۴۰۱۲۱۱ به طلبکاری خانم زهرا تقوی چوپان از ساعت نه الی دوازده روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۱ (بیست و یکم مهرماه یکهزار و چهارصد و پنج) در محل اجرای ثبت اسناد آمل از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از مبلغ فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت به شماره ir۴۸۰۱۰۰۰۰۴۰۵۳۰۱۳۲۰۷۵۵۰۳۸۶ و شناسه ۹۴۸۱۰۸۵۵۳۱۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به حساب سپرده ثبت می باشد (که میبایست حداقل ۴۸ ساعت قبل از برگزاری مزایده واریز تا تائید فیش واریزی توسط حسابداری اداره امکان پذیر گردد یا پرداخت مستقیم از واحد حسابداری) حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده الزامی است برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد ضمنا پس از برگزاری مزایده در صورت معرفی شدن متعهد له به عنوان برنده مزایده ماده ۴۰ آیین نامه اجرا اعمال و متعاقبا میزان سهام براساس آن محاسبه و افزایش می یابد.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی آمل - موسی زاده

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای گل محمد شاهپری نشتی بموجب دو برگ استشهادیه گواهی شده در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۲۷ ایذه مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۲۱۸۷/۳۰ به نام گل محمد شاهپری بنشتی واقع در بخش یک ایذه به علت جابجایی مفقود شده لذا در اجرای تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب اعلام تا هرکس که مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت مذکور در نزد خود می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز (ده) اعتراض خود را کتبا و ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند خریداری به این اداره اعلام نماید. سند مالکیت مفقود شده از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

عباس باقری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ایذه

آگهی تحدید حدود اختصاصی

پیرو آگهی قبلی و مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود ملک خانم صفیه دریائی فرزند رحیم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۱۸۴/۷۰ متر مربع دارای پلاک ۸۵۸ فرعی از ۳۷۶ اصلی واقع در قریه جمشیدآباد دهستان کلارآباد بخش دو ثبت عباس آباد راس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۷/۳۰ به عمل خواهد آمد. لذا مراتب به متقاضیان و کلیه مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاقی اعلام و اخطار میگردد که در وقت مقرر در عملیات تحدیدی شرکت نمایند. بدیهی است در صورت عدم حضور هریک از متقاضیان یا نماینده قانونی آنها مورد تقاضا طبق ماده ۱۵ قانون ثبت و تبصره ذیل آن تحدید خواهد شد ضمنا دارندگان حق اعتراض می توانند وفق ماده ۲۰ قانون ثبت و ماده ۷۴ و ۸۶ آیین نامه اصلاحی آن ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت جلسه تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی نموده و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند در غیر این صورت چنانچه متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی گواهی عدم تقدیم دادخواست از دادگاه صالحه را ارائه نماید این اداره وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی اقدام خواهد نمود (در صورتیکه روز تحدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تحدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد از تعطیلی با رعایت مواد قانونی فوق الاشاره صورت پذیرد)

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸

سقا قاسمی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس آباد

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم سکینه رستمی فرزند بابا از طرف آقای غلامرضا شنگی قهی فرزند ولی اله با سند وکالت با شناسه سند ۱۴۰۵۳۲۱۵۲۸۳۱۰۰۰۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۶/۳۰ تنظیمی از دفترخانه ۴۴۰ شهر تهران با ارائه دو برگ استشهادیه تصدیقی به شماره ۳۴۸۸۹۹ مورخ ۱۴۰۵/۷/۵ تنظیمی از دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳ شهر فیروزکوه تقاضای صدور سند المثنی به شماره ۲۹۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۷/۵ تحت پلاک ثبتی شماره ۴۶۹ فرعی مفروز و مجزی شده از شماره پلاک ۲۴۹ فرعی از سنگ ۶۵- اصلی واقع در دهگردان جزء حوزه ثبت ملک شهرستان فیروزکوه ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری باغ به مساحت ۴۶۵/۳۶ متر مربع به نام آقای غلامرضا شنگی قهی فرزند ولی اله در دفتر املاک الکترونیکی با شماره ۱۴۰۴۲۰۳۰۱۰۲۱۰۰۲۳۴۱ ثبت و سند مالکیت تک برگ با شماره چاپی ۰۲۵۰۳۷ الف ۰۴ صادر و تسلیم گردید که سند مالکیت اولیه با شماره چاپی ۰۲۵۰۳۷ به علت اسباب کشی مفقود شده را درخواست نمودند لذا بدینوسیله بخشنامه می شود تا چنانچه هرکس به هرعنوان سند مالکیت با مشخصات فوق را جهت انجام هرنوع معامله به آن دفترخانه ارائه نماید ضمن جلوگیری از انجام معاملات سند مالکیت را به این اداره ارسال نمائید. تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸

جلیل علیزاده کارسالاری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

دراجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ -آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱-رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۲۲۴ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۱۸۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای محمدامین ملکی فرزند حلیم مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۴/۷۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۳۷-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای محمدرحیم نصیری سیدکلاته دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۴۹۲۲ مورخ ۱۳۵۰/۰۷/۰۷).

در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ (شنبه)
م الف ۱۱۱۷۶

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

دراجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ -آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱-رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۸۵۶ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۶۴۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای سید مجید حسینی فرزند سیدقربان مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۵۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۵۶ فرعی از ۲-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی (آقای سیدقربان حسینی).

در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ (شنبه)
م الف ۱۱۱۷۴

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

دراجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ -آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱-رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۷۰۴ در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۵۴۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای قربان خاندوزی فرزند عبداله مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۶۸۴/۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالکان رسمی (آقایان عبداله اخلی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۳۱۵۸ مورخ ۱۳۴۹/۰۹/۱۲ به میزان ۶۸۶۸۴/۵ مترمربع، تمامت سهم آقای حسینعلی فندرسکی دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۳۱۵۹ مورخ ۱۳۴۹/۰۹/۱۲).

در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ (شنبه)
م الف ۱۱۱۷۲

لیلا کاغذلو
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱-رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۲۶۰ در پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۹۲ تصرفات مفروزی و مالکانه خانم سیده زهرا مداح فرزند سیدشهرام مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۱/۳۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۲۱ فرعی از ۱-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (آقای محمدعلی کاغذلو).

در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ (شنبه)
م الف ۱۱۱۸۹

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۵

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱-رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۲۹۴ در پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۳۶۹ تصرفات مفروزی و مالکانه خانم آذر غفاری توران فرزند عبدالجواد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱-اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک از مالک رسمی (مساحت ۵۰۰۰ مترمربع بلاواسطه و مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع مع الواسطه از مالک رسمی آقای قربانعلی غفاری توران دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۳۶۶۱۸ مورخ ۱۳۴۷/۰۸/۲۲).

در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ (چهارشنبه)
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ (شنبه) م الف ۱۱۱۹۸

لیلا کاغذلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

نظر به اینکه مالک با تسلیم استشهادیه محلی گواهی شده ادعا نموده که سند مالکیت به نسبت سهم الارث عرصه و اعیان پلاک ۱۳۵۳۲ فرعی از ۷۶ اصلی واقع در بخش سه الیگودرز به مالکیت خانم معصومه گلپایگانی فرزند موسی صادر و تسلیم شده که به علت بی احتیاطی مفقود گردیده است و نامبرده فوق تقاضای صدور و سند المثنی نموده ضمن گواهی عدم انجام معامله نسبت به سند مزبور طبق سوابق موجود در دفتر املاک مراتب برابر تبصره یک ماده ۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت در یک نوبت جهت اطلاع عموم آگهی می گردد تا چنانچه کسی یا ارگانی مدعی انجام معامله و وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد یا دارای حقوقی نسبت به پلاک فوق الذکر می باشند از تاریخ نشر آگهی به مدت ده روز موضوع را کتبا ضمن ارائه مستندات قانونی و ارائه اصل سند مالکیت به این اداره اعلام و رسید اخذ نمایند بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مدت فوق طبق مقررات اقدام به صدور سند المثنی به نام مالک خواهد شد.

م الف ۵۸۵۹

امیرحسین خلیلی
رئیس ثبت اسناد و املاک الیگودرز

آگهی ابلاغ طلاق

آقای محمد ابراهیمی همسرشما خانم صدیقه واعظی باتوجه به دادنامه شماره ۱۴۰۵-۰۰۲۸۵۱ مورخه ۱۴۰۵/۳/۳۱ صادره از شعبه ۲ دادگاه خانواده ساوجبلاغ با توجه به سمت نمایندگی سردفتر در دادنامه فوق الذکر حسب قانون طلاق در مورخه ۱۴۰۵/۷/۵ به شماره ثبت ۱۷-۱۴۰۵ در این دفترخانه به ثبت رسانده لذا از تاریخ فوق رابطه زوجیت فی مابین شما و همسرتان وجود ندارد.

سردفتر طلاق شماره ۴ ساوجبلاغ
عبداله ابی زاده

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۷/۸
خ ش ۱۴۰۵/۷/۸

آگهی تحدید حدود

در اجرای قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و آئین نامه اجرایی آن، آرای ذیل توسط هیئت آرا به صدور آرای ذیل واقع در روستای معمره، صنگور و صیداویه، بخش ۹ و ۱۰ آبادان به نام اشخاص ذیل صادر نموده است و جهت اطلاع اهالی روستا در اجرای ماده (۱۰) قانون و ماده ۱۷ آئین نامه اجرایی آن منتشر و در اماکن و معابر و شهر الصاق می نماید تا کسانی که به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق، و اشخاصی که نسبت به تحدید حدود و حقوق ارتفاقی اعتراض دارند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی ظرف مدت بیست (۲۰) روز از تاریخ الصاق اعتراض خود را مکتوب به اداره ثبت محل ارائه نماید و ظرف مدت یک ماه (۳۰ روز) از تاریخ تسلیم اعتراض به مراجع ثبتی، دادخواست کتبی خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ارائه نماید. بدیهی است در صورت عدم اعتراض، عملیات ثبتی ادامه خواهد داشت.

بخش ۹

۱- قسمتی از پلاک ۴۹۹ بخش ۹؛ به نام قادر حسین‌زاده فرزند فاضل، ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۵۰,۸۵ مترمربع

بخش ۱۰

۱- قسمتی از پلاک ۹۶ / ۳ بخش ۱۰؛ به نام وحیده خنفری فرزند صالح، ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۸۶,۷۶ مترمربع

تاریخ انتشار آگهی تحدید حدود: ۱۴۰۵/۷/۸ تاریخ روز تحدید حدود: ۱۴۰۵/۷/۲۹

حسین بی نیاز- رییس ثبت اسناد و املاک آبادان